

# پژشکی نیاکان

## مقدمه کتاب رایانه‌ای قانون در طب ابن سینا

### فهرست مطالب

۹۳	اقتدا به ستایش استاد
۹۳	جهان بینی ابن سینا
۹۳	در جستجوی هویت گم شده
۹۴	آرزوی توفیق
۹۴	گزارش به پیشگاه استاد
۹۴	موقعیت تاریخی - جغرافیائی
۹۵	مظلومیت پژوهش
۹۶	ترور شخصیتی و تقاضای مریدان
۹۹	رسالت پیشین و پویائی فعلی کتاب قانون
۱۰۰	تعذیر و تقدیم
۱۰۱	آرزوی مزید توفیقات از پیشگاه ملکوتی حضرت دوست

## مقدمه کتاب رایانه‌ای "قانون در طب" ابن سینا

ستایش باد یزدان را که سزاوار ستایش است بسبب بزرگواریش

و کثرت الطافش و درود بر سرور و پیامبر ما محمد و دودمان او

(کلام استاد در مقدمه کتاب اول)

### اقتدا به ستایش استاد

#### ای استاد! ای مراد! ای پدر! ابن سینای عزیز!

به ستایش اقتداء می‌کنیم، یزدانت را می‌ستائیم و به محمد (ص) و دودمان او نیز شایسته‌ترین درودهای خود را اهداء مینمائیم . . . روح پُرفتوح شاد و راه پُربرکتت پُرهرو باد.

### جهان بینی ابن سینا

پروردگارا ابن سینا خود را در مقام مهندسی مصنوعی می‌دید که صانع آن توئی و از هر زاویه‌اش که می‌نگریست، تجلی جلوه مبارک توامی دید . . . آفریدگارا به ما فرزندان ابن سینا نیز چنین توفیقی را مرحمت فرما.

### در جستجوی هویت گم‌شده

خداوندا از زمان ابن سینا تا کنون گذشت زمان و تلاش پیشکسوتان، باعث حل بسیاری از مجهولات طبی گردیده و امروزه فرزندان آن بزرگوار، به

مراتب بیش از زمان او می‌دانند ولی تو خود گواهی که هرچه امروز داریم بر همان دانسته‌های محدود زمان او که اساس طب نوین را تشکیل می‌دهد بنا نهاده‌ایم و بنابراین در کتب او تنها به دنبال کسب دانش پزشکی نیستیم! بلکه در جستجوی بینش صحیح پزشکی و بهداشتیم! و نیز در نوشته‌هایش تنها به دنبال تشخیص و درمان بیماری‌ها نیستیم بلکه تو را می‌یابیم، آنطور که ابن سینا یافت، تو را می‌جوئیم، آنگونه که ابن سینا جست، تو را می‌خواهیم، آنطور که ابن سینا می‌خواست . . . به دنبال آن هویت گم شده‌ایم، در جستجوی آن مجد و عظمتیم، بینش توحیدی او را می‌خواهیم، بار دیگر، پرچم را می‌خواهیم، پرچم مجد و عظمتی را که به دست ابن سینا بود و آن هویت گم شده‌ای را که امروزه جامعه توحیدیمان سخت نیازمند آنست . . . *أمین یا رب العالمین* .

## آرزوی توفیق

پروردگارا توفیق ادامه راه را مرحمت فرما و الطاف همیشگی را مبذول نما تا این بستر پژوهش در کتب قانون را آنطور که شایسته شان و مقام محققین میهن اسلامیمان ایران است فراهم نموده همچون ابن سینابه صیورت الی الله بپردازیم.

## گزارش به پیشگاه استاد

### موقعیت تاریخی - جغرافیائی

استاد عزیز، ابن سینا اجازه می‌خواهم گزارش کوتاهی به حضورت عرضه کنم و در ادامه راه، از روح پُرفتوح التماس دعا نمایم: از زمانی به فاصله بیش از یک‌هزار سال پس از حضور فعال جسم مطهرت در سرزمین همیشه توحید ایران ولی از همان زمین، و در زیر همان آسمان و در غربتی به فاصله صرف جوانی عمر و بهار تخصصم و در نقاطی از این گُره خاکی که قسمتی از سال‌های پُربرکت عمرت را در آنجا گذراندی، از غرب میهن

اسلامیمان ایران ولی نه در کاخ سامانیان، سلجوقیان، آل بویه و . . . که در آن زمان به منظور دستیابی به کتب نفیسی که در انحصار آن اقوام غارتگر خیانتکار بود مجبور به پذیرش وزارت آنان یا جذب کاخ‌های آنها گردیدی بلکه از محیط مقدس دانشگاه، از محیط کار و کوشش مُلکِ "ری" و از حوزه خدمتگزاری معاونت پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی ایران . . .

### مظلومیت پژوهش

پدر عزیز، ابن سینا شرح بی قراریت در کُره ارض و آوارگی‌هایت از گوشه‌ای به گوشه دیگر این مملکت را خوانده و در جریان جنایات غلامان تُرک و مخصوصاً جنایات سلطان محمود غزنوی که نه تنها به اسم مذهب، هندیان را برای همیشه به خاک سیاه نشاند، بلکه بیش از هر جانی دیگری تیشه بر ریشه تشیع زد، تو را تا پایان عمر، تعقیب کرد و به استاد دیگرمان فردوسی نیز ظلم نمود، قرار گرفته‌ایم و همه آن مظالم را محکوم می‌کنیم و به عرض مبارکت می‌رسانیم که هرچند امروزه به برکت انقلاب پرشکوه اسلامی و اسلام ناب محمدی (ص) تحوّل عظیمی در مملکتمان ایجاد شده و حکومت به دست صاحبان اصلی آن یعنی بنی‌هاشم، افتاده است و تشیع و تسنن، در مدرسه و دانشگاه و محیط کار، در کنار هم زندگی مسالمت آمیزی دارند و حتی اقلیت‌های مذهبی دیگر نیز در پرتو نورانی‌ترین انوار اسلام و در ملک ائمه اطهار، در کمال آرامش و امنیت، به کار و کوشش، مشغولند ولی متأسفانه در بسیاری از ممالک اسلامی دیگر، هنوز ابناء سامانیان، سلجوقیان، غزنویان، آل بویه و امثال آنها مظالم اجدادی خود را بر خلق‌های مسلمان، تحمیل کرده، امنیت و آسایش آنها را سلب نموده و سعی بر ممانعت از پیشرفت آنان دارند! غافل از اینکه خداوند بی‌همتا حامی علم و آگاهی و پشتیبان خادمین ساحت مقدس پژوهش، می‌باشد: و غافل از اینکه پیام جاوید کتاب‌الله، سند زوال‌ناپذیر حمایت الهی از

پیوندگان علم و معرفت است. و هرچند يُریدونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ (سعی بر خاموش کردن نور علم و معرفت دارند) ولی وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ . . . (خداوند انوار مقدس خود را از ورای تمامی تاریکی‌های ساختگی آنان می‌تاباند) و لذا؛

چه کسی می‌تواند پندارهای خداپسندانه، گفتارهای آگاهی بخش و رفتارهای بشردوستانه بر خاسته از استعانت الهی را سرکوب کند و مانع نوشتن و گفتن کسانی شود که به رسالت قلم، اقتدا کرده و خود را وقف خدمت رسانی به همنوعان نموده در پرتو انوار رحمت الهی، نور علم و آگاهی را بر دل‌ها می‌تابانند؟ مگر نور الهی را می‌توان خاموش کرد؟ مگر راه تکامل را می‌توان سد نمود؟ (پیشگفتار کتاب نوپدیدی و بازپدیدی بیماری‌ها...)

## ترور شخصیتی و تقاضای مریدان

استاد و مراد عزیز، ابن سینا درست است که دانشمندان، که وارثان پیغمرانند متعلق به زمین و زمان خاصی نیستند ولی فرض بر این است که هرچه به خورشید، نزدیکتر باشیم باید نور و گرمای بیشتری بر ما بتابد و به همین دلیل، انتظار داشتیم بعد از عروج ملکوتی روح مطهرت به ملکوت اعلا پرچم مجد و عظمت و توان علمی مسلمانان همچنان در دست فرزندان خودت باقی بماند . . . و خود، بهتر می‌دانی که با سیاست حساب شده‌ای نگذاشتند! و در حالیکه کتاب‌هایت را به سرعت به زبان‌های زنده دنیای امروز ترجمه و قرن‌ها در دانشگاه‌های خود، تدریس نمودند ولی در میان ملت خودت تو را فردی خودرایی، خودکامه، کج خلق، سخت گیر، پرخاشگر، خودبزرگ بین، زنباره و شرابخوار و عیاش و جاه طلب که از توده مردم، بریده و به سلاطین ظالم، پیوسته‌ای معرفی کردند و حتی برخی از کتاب‌هایت را تحریف کرده این

بهتان‌ها را از زبان خودت یا بعضی از شاگردانت در آن کتب که امروزه به دست ما رسیده است گنجانند! و برای اینکه دیگر هیچیک از فرزندان به فکر پیمودن آن راه پربرکت نیفتند تو را یک "مافوق انسان" و یک نابغه استثنائی که وقتی در اصفهان می‌خوابیدی صدای چکش بازار مسگران یزد را می‌شنیدی و وقتی نخ‌ری را به دست گربه‌ای می‌بستند و سر دیگر آنرا به دست تو می‌دادند بدون اینکه جنباننده نخ را ببینی نه تنها تشخیص می‌دادی که سر دیگر نخ به دست یک گربه است (نه به دست انسان) بلکه بیماری آن گربه را نیز تشخیص می‌دادی و دو عدد موش، برایش نسخه می‌نمودی، معرفی می‌کردند! غافل از اینکه خودت فرموده‌ای کتاب *مابعدالطبیعه ارسطو* را سی و نه بار می‌خوانی و درک نمی‌کنی و باز به قصد فهم آن کتاب، یکبار دیگر از اول تا آخر آنرا مطالعه می‌کنی! غافل از اینکه خودت فرموده‌ای: "در تمام این مدت، شب و روز مشغول مطالعه بودم، شب تا روز، به خواب نمی‌رفتم و روز تا شب، نمی‌آسودم و جز فراگرفتن آن علوم، به کار دیگری نمی‌پرداختم، هرگاه در مطالعه به مشکلی برمی‌خوردم که از حل آن عاجز می‌شدم به مسجد می‌رفتم، نماز می‌گزاردم و حل آن مشکل را از مُبدع کل، می‌خواستیم...". غافل از اینکه در طفولیت، حافظ قرآن و آشنای با فقه اسلامی، بوده‌ای و از این گذشته کسی که آگاهانه به مسجد روی می‌آورد و در هیئت نمازگزار، در پیشگاه خالق، به عبادت او می‌ایستد و با به جا آوردن نماز، خود را در مقابل فحشاء و مُنکر، بیمه میکند (انَّ الصَّلاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) دیگرجائی برای عیاشی و باده‌گساری او باقی نمی‌ماند! غافل از اینکه حتی در حبس قلعه "فردجان" همدان و مخفیگاهت (منزل ابوغالب) و در بسیاری از مسافرت‌های لحظه‌ای از تحقیق و تالیف، غافل نمی‌شدی و هرگز وقت اضافی برای پرداختن به خوشگذرانی و امور باطل دیگر نداشته‌ای! . . . و بالاخره برای اثبات بی ادبیت می‌گویند در حلقه درس ابوعلی مُسکویه، گردوئی را نزد او می‌اندازی و می‌گوئی مساحت آنرا تعیین کن و او که مثلاً معلّم اخلاق است کتبی را که در باب اخلاق نگاشته است بسوی تو، پرتاب

می‌کند و بدینوسیله اخلاق را عملاً بتو تعلیم می‌دهد! (که اینگونه اعمال، از هر دو شما بعید است و با این بهتان عوام‌پسند، شخصیت هر دو را ترور کرده‌اند) و بسیاری از اراجیف دیگری که متاسفانه همچون مردابی ادبیات غنی ما را در خود فرو برده است و شاید همین ناخالصی‌ها باعث شده بزرگان ادبمان رغبتی برای گردآوری بسیاری از این آثار از خود، نشان ندهند تا جائیکه مثنوی معنوی را، تاریخ ادبیات ایران را، گنجینه ادبی و حاصل زحمات فردوسی را . . . را خارجی‌ها برای ما جمع‌آوری نموده و از بخت خوب یا بدمان کتاب قانونت را نتوانستند بطور کامل، برایمان از عربی که زبان علمی آن روز بود به فارسی ترجمه کنند و این توفیق را نصیب دوران استقرار حکومتِ الله در میهن عزیزمان نمودند و نیز توفیق رایانه‌ای کردن این اثر نفیس را نیز هرچند با تاخیر ولی نصیب خودمان کردند . . . و خلاصه اینکه هرچند عقل سلیم، حکم می‌کند که این اتهامات را مغرضانه پنداریم ولی اگر حتی فرض را بر این بگذاریم که بعضی از آنها، تا حدودی صحیح بوده و آنهمه موفقیت متواتر، گاهی تو را به غرور می‌کشانده و حرمت همکارانت را نگه نمی‌داشته‌ای باز هم براین عقیده خواهیم بود که خیرات و برکات و خوبی‌هایت به مراتب بیش از دافع‌هایت بوده و اگر تا کنون در پیشگاه احدیت، بخشوده نشده‌ای ما فرزندان حاضریم کفارهٔ آنرا بپردازیم زیرا تو را آنگونه می‌خواهیم که آن عارف کامل، در مثنوی معنوی، توصیف فرموده، (غریبی که برای حل مشکلات لاینحل، می‌آئی، حکیم حاذق صادق امینی که در علالت سحر مطلق را می‌توان دید و در مزاجت قدرت حق را، ولی حقی که از سر تا پایت نور علم و معرفت می‌بارد و هدیه حقی که دفع هر حرجی هستی . . .)

گفت ای شه مژده حاجاتت رواست	گر غریبی آیدت فردا ز ماست
چونکه آید او حکیم حاذقسست	صادقش دان کوامین و صادقست
در علالت سحر مطلق را بیبین	در مزاجش قدرت حق را بیبین
چون رسید آن وعده گاه و روز شد	آفتاب از شرق، اختر سوز شد
دید شخصی فاضلی پرمایه‌ای	آفتابی در میان سایه‌ای

می‌رسید از دور مانند هلال	نیست بود و هست برشکل خیال
آن ولی حق چو پیدا شد ز دور	از سر و پایش همی می‌تافت نور
گفت ای هدیه حق و دفع حرج	معنی الصبر مفتاح الفرج
ای لقای تو جواب هر سوال	مشکل از تو حل شود بی قیل و قال
ترجمانی هر چه ما را در دلست	دست گیری هر که پایش در گِلست
مرحبا یا مجتبی یا مرتضی	ان تَعَبَ جاء القضا ضاق الفضل
آت مولی القوم من لایشتهی	قد ردی کلالن لم یتته

**مثنوی معنوی / نسخه معاونت پژوهشی**

### رسالت پیشین و پویائی فعلی کتاب قانون

و مبدا اینگونه پنداریم که اگر قانون، منشاء اثری بوده در گذشته‌های دور، تاثیر خود را بخشیده و ره آوردهای طب جدید، ما را از این کتاب و امثال آن بی نیاز کرده است! چرا که هنوز نکات پویا و مطالب زنده‌ای در کتاب نفیست هست و از این گذشته حتی اگر بر این باور باشیم که این کتاب، به منزله قسمتی از ریشه‌های درخت کهنسالی است که در گذشته‌ای دور، نقش خود را ایفاء کرده در طول مقطعی از زمان، موجبات رشد و نمو و شادابی و باروری ساقه‌ها، شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌های آن درخت را فراهم کرده است و امروزه به ریشه پوسیده و از کار افتاده‌ای شباهت دارد که دیگر به کار آن درخت کهنسالی نمی‌آید باز هم خواهیم گفت می‌خواهیم از آن ریشه‌های پوسیده، داروی شفابخشی بسازیم و برجشمان ضعیفمان بکشیم تا سهم واقعی این ریشه‌های قدیمی را در رشد و پیشرفت این شجره طیبه ببینیم، می‌خواهیم این ریشه‌های از کار افتاده را به عنوان تیمن و تبرک، بر پیشانیمان بگذاریم، می‌خواهیم آنها را بتراشیم و به عنوان قلم، مورد استفاده قرار دهیم، می‌خواهیم آنها را خمیر کرده کاغذ بسازیم و بار دیگر با آن قلم و این کاغذ، قانون را که در زمان خود، دائره‌المعارف کامل پزشکی و بهداشت جهان بود در این زمان نیز با همان کیفیت، بنگاریم تا شاید جبران مافات شود! امانه! این نهایت کلام است



یعنی اگر کتب قانون، هیچ مورد مصرف دیگری نمی داشت، چنین می کردیم، ولی خوب میدانیم که هنوز مطالب زنده و پویای فراوانی در آن یافت می شود، مطالبی در راستای اهداف پزشکی جامعه نگر، هدفداری در تشریح و فیزیولوژی ارگان‌ها، نغمه‌های دلنشین خداجوئی خودت در لابلای متن علمی کتاب و پیام فعالیت شبانه روزی افتخارآفرینت، عظمت و شکوه آن لحظاتی که وقتی مطلبی را میخواندی و نمی فهمیدی و از حل آن عاجز می ماندی به مسجد می رفتی، نماز می گزاردی و در حل آن مشکل، از مبدع کل، کمک میخواستی . . . می خواهیم بر مرتفع ترین نقطه ساختمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بر تارک تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و در آغاز تمامی کتب و مقالات پزشکی و بهداشتی‌مان پس از ذکر کلمه‌الله و تعریف امام راحل‌مان خمینی، سلام الله علیه، ((کارخانه آدم سازی)) تعریف پزشکی و بهداشت را با اقتدا به جامعه نگری پویای خودت و از قول کتاب قانونت، چنین بنگاریم: "هدف پزشکی، حفظ تندرستی در زمان سلامت و بازگرداندن آن به هنگام بیماریست". می خواهیم همچون خودت با نام خدا آغاز کنیم و همواره در پندار و گفتار خود، بیاد او باشیم و خلاصه اینکه می خواهیم قانون را مجدداً به صحنه‌های فعال پزشکی بیاوریم و بدون شک، برنامه رایانه‌ای قانون، بیاری خداوند بزرگ، راه را برای نیل به اهداف ذکرشده، هموارتر و سرعت پژوهش در این اثر نفیس را افزونتر خواهد نمود.

می خواهیم در سالروز تولدت که به عنوان روز پزشک، پیشنهاد شده است کنگره‌ها و سمینارهای پرمحتوایی برگزار نموده به حلقه درست ببیندیم و رهنمودهایت را با ره‌آوردهای جدید پزشکی، در هم آمیخته روح جدیدی در کالبد پزشکی و بهداشت میهن عزیزمان بدمیم - انشالله . . .

## تقدیر و تقدیم

استاد و پدر عزیز، ابن سینا : امیدوارم این مقدمه نسبتاً طولانی، عذر بدتر از گناه و بد دفاع کردن از شان والایت نباشد! هرچند هرچه باشد گفتگوی

مُریدی با مراد و شاگردی با استاد است و ران ملخی است هدیه موری به پیشگاه سلیمان، به حشمت خودت بپذیر، تقدیم به روح بزرگت.

### آرزوی مزید توفیقات از پیشگاه ملکوتی حضرت دوست

. . . استاد عزیز، اجازه می‌خواهم در خاتمه این مقدمه با تو هم‌آواز شوم و به پیشگاه پروردگاران عرض نمایم که :

تا باده عشق در قدح ریخته‌اند      و ندر پی عشق عاشق انگیخته‌اند  
با جان و روان بوعلی مهر علی      چون شیروشکر بهم درآمیخته‌اند



مائیم به عفو توتولی کرده      از طاعت و معصیت تبری کرده  
آنجا که عنایت تو باشد باشد      ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

پروردگارا به من و کَرَمَت این عبادت ناکرده را کرده پندار

حوزه معاونت پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  
کمیته رایانه‌ای کردن طب و بهداشت  
ایام الله دهه فجر سال ۱۳۷۶  
دکتر حسین حاتمی

<http://www.hbi.ir/hosting/bioterrorism/library.htm>

### منابع

منابع مورد استفاده در سایر مقالات کتاب حاضر.